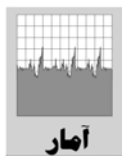




شماره: ۳۱
۱۳۸۸/۶/۳۰



معرض کتابها
و آثار منتشره



آمار



معرض سمینارها
و کنفرانس‌ها



اخبار کوتاه

ویژه گزارش توسعه و تجارت (۲۰۰۹) منتشره از سوی UNCTAD

موضع انبساطی سیاست های مالی و پولی حفظ شده و یا حتی بیش از پیش تقویت گردند. بر خلاف این جریان، رشد جهانی GDP ممکن است در سال ۲۰۱۰ مجددا مثبت گردد اما بعید است از ۱/۶ درصد فراتر برود. بحران جهان فعلی خیلی هم غیر منتظره نبود. این بحران از دل سال ها عدم توازن در بطن اقتصادهای عمده جهانی بیرون جست. آشکارترین شاهد این عدم توازن، کسری های فراوان در حساب جاری ایالات متحده، انگلیس، اسپانیا و چندین کشور اروپای شرقی و همچنین از دیگر سو، اندوخته های هنگفت و درحال افزایش در چین و هند و آلمان و در کشورهای صادر کننده نفت بود. در ایالات متحده و دیگر اقتصادهای در حال ترقی، رشد تا حد زیادی حاصل تامین منابع برای باز پرداخت بدهی های خانواده ها از راه ارائه وام و حباب های در حال رشد در بازار های بورس و مسکن بود. روشن بود که چنین عدم توازن و تعادلی نمی توانست استمرار یابد. یک انطباق هماهنگ جهانی که به واسطه آن کشور های دارای اندوخته مالی بیشتر می توانستند با توسعه تقاضای داخلی خود، رشد کمتر در کشورهای دچار بحران را جبران نمایند، به طور مستمر از سوی ناظران و موسسات و نهاد های بی شماری نظیر آنکتاد پیشنهاد و حمایت شده بود. سیاست سازان در کل نتوانستند نیاز به مدیریت کلان اقتصادی تقاضا را که در سطح بین المللی به توازن رسیده باشد راهبری نمایند و در موارد بی شماری ریسک تورمی را اغراق آمیز نمودند و لذا یک سناریوی دراز مدت قابل پیش

حتی پیش از آن که ناآرامی های مالی در سپتامبر ۲۰۰۸ به یک بحران گسترده تبدیل شوند، رشد GDP در بیشتر کشورهای توسعه یافته به رکود رسیده بود. به تدریج این روند نزولی به یک کسادی کاملا تازه ای بدل شد و در سال ۲۰۰۹ حجم GDP جهانی تا بیش از ۲/۵ درصد سقوط نمود. چنین بحرانی با این عمق و گستردگی غیر قابل پیش بینی بود و هیچ اقتصادی نبود که از این امر جان سالم بدر ببرد. حتی اقتصادهایی نظیر اقتصاد کشورهای چین و هند که انتظار می رفت در این سال با رشد روبرو شوند، به طرز چشمگیری در مقایسه با سال پیش از آن با رکود مواجه شدند. احتمال احیای کشورهای توسعه یافته اصلی و قدرتمند شدن آن ها به حدی که در سال های آتی اقتصاد جهانی را به همان مسیر پیش از بحران هدایت نمایند اندک است. دلیل این امر یکی این است که از رشد مصرف و از رشد سرمایه گذاری انتظار نمی رود تا دوباره پا گیرند چرا که ظرفیت و توان استفاده از سرمایه در حال حاضر بسیار پائین بوده و نرخ بیکاری در حال افزایش می باشد. علاوه بر این ها بانک ها نیز نیازمند جذب سرمایه های مالی بیشتر هستند تا پیش از آن که به همان نقش سنتی خود یعنی نقش تامین کننده اعتبار برای سرمایه گذاران باز گردند ترانزنامه های خود را سروسامان دهند. تا این مهم تحقق یابد و به منظور جلوگیری از سقوط GDP، ضروری می نماید که

بینی بود. سیاست سازان همچنین از بحران های مالی قبلی کسب تجربه نکرده بودند و لذا در شکل دهی بحران فعلی، حجم زیادی از اعتبارات افزایش یافته در ایالات متحده و دیگر اقتصاد های توسعه یافته، به سوی تامین مالی جهت خرید ملک پیش رفت و این مسئله تورم ناشی از بهای دارایی و هزینه های نگاهداری آن ها را افزایش داده و به واسطه ارائه وام های اعتباری مصرف بیشتر خصوصی را باعث گردیدند در حالی که می شد به جای آن در ظرفیت های تولیدی سرمایه گذاری نمود تا در آمد واقعی افزایش یافته و اشتغالی به شیوه ای پایدار رشد نماید.

تامین مالی افراطی در بازار کالاهای اصلی

تاثیر بحران مالی بر اقتصادهای در حال انتقال به واسطه کاهش تجارت ناشی از سقوط شدید قیمت های بین المللی کالاهای اصلی در نیمه دوم سال ۲۰۰۸ تشدید شد. تا حدود زیادی این امر نشانه ای از یک بحران مالی بود. قیمت کالاها، قیمت های سهام و نرخ ارزهای جاری تحت تاثیر بورس بازی های تجاری در طول اوج قیمت کالاها بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸، نیمه دوم سال ۲۰۰۸ و در طول فاز بازگشت قیمت ها در چهار ماهه دوم سال ۲۰۰۹ بود. درست است که کاهش رشد جهانی اقتصاد پس از سپتامبر ۲۰۰۸ میزان تقاضا برای کالاها را با کاهش مواجه کرد لیکن تنزل قیمت های بین المللی کالاها در ابتدا از سوی سرمایه گذاران مالی آغاز گشت .

در سال ۲۰۰۹، وضعیت اضطراری غذا در ۳۱ کشور ادامه یافت و بر آورد می گردد که به لحاظ قیمت های بالای مواد غذایی از سال ۲۰۰۶ به این سو بین ۱۰۹ تا ۱۲۶ میلیون نفر که بیشتر آن ها در منطقه زیر صحرای آفریقا و جنوب آسیا به سر می برند زیر خط فقر قرار گرفته باشند. علیرغم سقوط قیمت های بین المللی مواد غذایی در نیمه دوم سال ۲۰۰۸، قیمت

های داخلی این مواد به طور کلی بالا باقی مانده و در موارد زیادی حتی به سطح رکورد رسیده است. گرچه در مرحله افزایش قیمت ها، احتساب قیمت کالاها بر مبنای ارزهای بین المللی برای تعیین قیمت مصرف کننده، شدت داشت اما در طول ماه های بعدی که شاهد کاهش قیمت ها بودیم، این شدت کمتر گشت و این نکته نشان می دهد که بازارها تحت شرایط طبیعی و سالم عمل نمی کنند. علاوه بر این ها، پیش بینی های بعمل آمده از سوی آژانس های تخصصی ناظر بر آن است که قیمت مواد غذایی در دراز مدت بالا باقی خواهند ماند که این امر عمدتاً نیز حاصل افزایش مستمر تقاضای سوخت های زیستی و فاکتور های ساختاری مرتبط با رشد جمعیت و درآمد است. در نیمه اول سال ۲۰۰۹ قیمت کالاها یک بار دیگر افزایش یافت و این امر منعکس کننده بازگشت بورس باز ها به بازار های کالایی بود که به نظر می رسد تاثیرات حاصل از تغییرات جزئی در بنیاد های بازاری را تشدید کرده باشد. ضمن این که تقاضای چین برای افزایش ذخایر و مصرف داخلی همچنان بر تاثیرگذاری بر قیمت کالاها ادامه خواهد داد. با در نظر گرفتن دینامیک رشد چین و شماری از دیگر اقتصادهای وسیع که بازارشان در حال شکوفایی است، اگر یک احیای جهانی حاصل شود قیمت کالاها می تواند بار دیگر افزایش پیدا کند.

واکنش سیاستی در اقتصاد های کشور های

در حال توسعه و در حال گذار

در کشور های در حال توسعه، دامنه ترمیم سیاست های پولی به شدت متنوع بوده و عمدتاً به وضعیت اولیه حساب جاری آن ها و میزان باز بودن حساب سرمایه آن ها بستگی داشت. بسیاری از کشور های آسیایی نظیر چین، هند و کره شروع به حرکت به سمت یک سیاست انبساطی تر پولی از سپتامبر

۲۰۰۸ به این سو کرده اند. در نقطه مقابل در دیگر کشورها که واحد پولی شان در چهار ماهه سوم سال ۲۰۰۸ تحت فشار قرار گرفت، مقامات مسئول سیاست های پولی اغوا شدند تا به طور موقت سیاست های خود را پیش از تغییر به سمت تسهیل پولی در ماه های اول سال ۲۰۰۹ فشرده تر سازند.

بحران جهانی و بحران غذایی

افزایش شدید قیمت مواد غذایی بین آوریل ۲۰۰۷ و مه ۲۰۰۸ عواقب وخیمی را برای تعداد زیادی از کشور های در حال توسعه به دنبال داشت. بیشترین تاثیر بر کشورهای با در آمد پائین بود. قیمت گندم، ذرت، برنج و سویا بین ماه های مارس تا جولای ۲۰۰۸ افزایش پیدا کرد لیکن تا پایان سال روند نزولی را طی نمود. در اوایل سال ۲۰۰۹ قیمت های گندم و ذرت در همان قیمت سال ۲۰۰۷ ثابت ماند و قیمت برنج به سطح قیمت سال ۲۰۰۸ رسید. قیمت مواد غذایی اینک بالاتر از میانگین دراز مدت تر خود هستند. به دنبال افزایش قیمت مواد غذایی، کشور های با در آمد پائین و دچار کمبود مواد غذایی، حجم واردات خود را بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ دو برابر دیدند. در سال ۲۰۰۹، انتظار می رفت به دلیل کاهش قیمت ها این میزان تا ۲۳ درصد کاهش پیدا نماید لیکن این حجم واردات همچنان بسیار بالاتر از میانگین دهه گذشته باقی مانده است. برای غلات که مهمترین ماده غذایی در مقوله امنیت غذایی به حساب می آید حجم واردات در کشورهای با در آمد پائین در سال ۲۰۰۷-۰۸ به میزان ۶۲ درصد افزایش پیدا کرد در حالی که انتظار می رفت قیمت های پائین، حجم واردات را در دوره ۲۰۰۸-۰۹ تا ۲۷ درصد کاهش دهند معهدا این حجم همچنان ۵۴ درصد بیشتر از میانگین چهار فصل گذشته (از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷) می باشد. کاهش چشمگیر قیمت های بین المللی مواد غذایی در نیمه

دوم سال ۲۰۰۸ به معنای قیمت پائین آن ها در کشور های در حال توسعه نبود.

بر اساس گزارش های فائو، قیمت های داخلی عموماً بالا باقی مانده اند و در برخی موارد به سطح رکورد رسیده اند. کاهش قیمت برخی مواد غذایی به خصوص غلات هم به دلیل کشت خوب این محصول در سال ۲۰۰۸ بوده است. در کشور های توسعه یافته میزان تولید غلات تا ۱۳/۲ درصد افزایش یافت اما این میزان در کشور های در حال توسعه ۲/۸ درصد بود. تولید کنندگان کشور های در حال توسعه بهتر توانسته بودند از پس افزایش قیمت نهاده ها برآیند. در طرف تقاضا نیز، کاهش جهانی بر میزان تقاضا برای سوخت های زیستی تاثیر گذار بود چرا که قیمت نفت کاهش پیدا کرد. همچنین بر میزان تقاضا برای خوراک دام نیز تاثیر گذاشت که آن هم به لحاظ کاهش مصرف گوشت بود. به هر حال کشش نسبتاً کاهش یافته تقاضا برای مواد غذایی حاکی از آن است که این میزان تقاضا تاثیر کمتری را از کاهش فعالیت های جهانی اقتصادی متحمل شده است تا از سوی میزان تقاضا برای دیگر کالاها. میزان کل مصرف غلات در ۰۹ - ۲۰۰۸ تا ۳/۸ درصد افزایش یافته و انتظار می رود تا ۱۰ - ۲۰۰۹ باز ۱/۳ درصد دیگر افزایش یابد. علاوه بر این ها فاکتور های بنیادین غیر بازاری نظیر مطمئن تر ساختن جایگاه پرمخاطره تولیدات غذایی و افزایش ارزش دلار شاید به طور قابل ملاحظه ای به کاهش شدید قیمت بین المللی مواد غذایی کمک کرده باشد. رکود جهانی همچنین تاثیری منفی بر وضعیت غذا در جهان بر جای نهاده است و این امر به خصوص در کشورهای فقیر بیشتر مشهود است، کشورهایی که درآمد پائین حاصل از کاهش اشتغال و دستمزد در آن ها موجبات محدودیت و ناتوانی خانوارها در تامین مایحتاج غذایی خود را فراهم آورده است. در تعداد زیادی از کشورها، کاهش درآمدهای

صادراتی که نتیجه کاهش قیمت صادراتی کالاها و معضلات موجود در تامین مالی تجارت کالاهاست باعث گردیده تا ظرفیت واردات کمتر شده و از طرفی کاهش درآمد نیز موجب محدود شدن دامنه فعالیت های دولت در مواجهه با بحران غذا شود. تاثیرات بحران های موجود به طرز چشمگیری در مطالعات مربوط به برنامه جهانی غذا (World Food Programme) در مورد کشورهای ارمنستان، بنگلادش، غنا، نیکاراگوآ و زامبیا به چشم می آیند. راه چاره این بحران در واکنش های کوتاه مدت و دراز مدت است. تمهیدات کوتاه مدت به کار بسته شده عبارت اند از: افزایش کمک های اضطراری غذایی، انتقال وجوه نقد، بهبود شبکه های بهداشتی برای ارضای نیاز های واجب غذایی. شماری از کشور های در حال توسعه همچنین به سمت کنترل قیمت ها و استفاده از یارانه ها پیش رفته اند و برخی نیز تمهیدات مختلف در حوزه سیاست های تجاری را مد نظر قرار داده اند گرچه این مهم معضلاتی را در بازار های بین المللی باعث شده است. با وجودی که این تمهیدات مصرف کنندگان را از انفجار قیمت ها مصون داشته اما در برخی کشور ها موجب کاهش انگیزه کشاورزان برای افزایش تولید شده اند. از سویی برخی کشورها اقدام به خرید اراضی در کشور های دیگر نمودند تا بدین وسیله به امنیت غذایی خود اطمینان بیشتری بخشند اما این مسئله برای آن دسته از خانوار های فقیر که دسترسی به اراضی ندارند خطرناک می باشد. در دراز مدت، سرمایه گذاری در کشاورزی و ارتقای بهره وری پاسخگوی این معضل خواهد بود. قیمت های پرسودتر برای کشاورزان انگیزه بیشتری را در امر تولید ایجاد خواهد کرد. به دلیل نبود اطلاعات کافی، یک مقایسه سیستماتیک میان قیمت های جهانی بازار و قیمت درب مزرعه ممکن نیست اما ادله ای وجود دارند که نشان می دهند بسیاری از کشاورزان خرد در کشور

های در حال توسعه به خصوص در کشور های با درآمد اندک از افزایش قیمت ها در بازار های جهانی سود اندکی برده اند. آن ها از سوی قیمت های بالای نهاده ها تحت فشار قرار گرفته اند. ظرفیت برای پاسخگویی به محرک های قیمتی نیازمند یک چهارچوب مالی و سیاست های حمایتی است. در سطح ملی، این امر نیازمند حمایت های دولتی بیشتر برای پژوهش های کشاورزی، توسعه و زیرساختها و خرید نهاده هاست. چنین حمایت هایی تحت برنامه های تعدیل ساختاری به طرز چشمگیری یا کاهش یافت یا به طور کل کنار نهاده شد. در سطح بین المللی حذف انحرافات در بازار های بین المللی کشاورزی خصوصا با حذف حمایت های کشاورزی در کشورهای توسعه یافته می تواند به افزایش درآمدکشاورزی و تولید در کشور های در حال توسعه کمک نماید. در جایی که تاثیر اولیه و مستقیم شاید افزایش قیمت مواد غذایی باشد در میان مدت سود حاصل از حذف حمایت های کشاورزی در کشور های توسعه یافته بیشتر از هزینه های تعدیل چنین اصلاحات سیاستی برای کشور های در حال توسعه و کشور های وارد کننده محض مواد غذایی خواهد بود. سرمایه گذاری سالانه بیشتر بر حصول اطمینان از امنیت غذایی و تغذیه که بالغ بر ۲۵ تا ۴۰ میلیارد دلار (۲۰۰۸) برآورد گردید در مقایسه با محرک های پولی و بسته های حمایتی مالی که اینک از سوی کشور های توسعه یافته در واکنش به بحران ارائه می گردند اندک هستند. علیرغم تمهیدات اندیشیده شده برای مقابله با بحران همچنان منابع کارآمد کافی برای حل آن وجود ندارد.

تهیه کننده: احسان عباسلو

**کمیته تخصصی ترجمه، مدیریت پردازش یافته های تحقیقاتی،
موسسه پژوهشهای برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه
روستایی.**